

هلال احمر فلسطین از شروع جنگ چه اقداماتی در غزه انجام داده است؟

ایستاده در طوفان

۸

روایت امدادگری که با به از خودگذشتگی جان، ۲ کوهنورد را نجات داد

پنجه در پنجه مرگ در قله گاوکشان

۴

پیشنهاد فیلم، سریال، کتاب و بازی

شبهای روشن زمستان

۱۴

«بلا تکلیفی»، سرنوشت موزه هلال احمر در بم

شهری که فراموش می شود!

۲۲

ماه پر از خاطره غم انگیز

درست است که اولین ماه زمستان، با جشنی ملی و سنتی شروع می شود، با جشن شب یلدا، اما دی ماه برای ما ایرانی ها، ماهی پر از غم و درد است؛ این ماه، از همان ابتدا، از ۵ دی ماه ذهنمان را مکدر می کند با خاطرات و تصاویر زلزله ای ۶،۶ ریشتری که شهری را از بن ویران کرد، بم را. هرچند که با فراسیدن ۱۳ دی ماه روز عشق اول همه انسان ها، روز مادر و سالروز ولادت دخت پیامبر (ص) دلمان کمی آرام می گیرد و پر از مهربانی می شود، بعد اما همه اتفاقات ناگوار ملی، هوار می شود روی سرمان، زمانی که ۱۶ دی ماه، یادمان می آید، ۶ سال قبل، کشتی نفت کش سانچی غرق شد و دو روز بعد از آن، ۱۸ دی ماه ۴ سال قبل، سال ۹۸، ۱۷۶ هم وطن در هواپیمای مسافربری ۷۵۲ وکراین، جان خود را از دست دادند. غم دی ماه تمامی ندارد و تیر خلاص خود را در روز پایانی، در ۳۰ دی ماه، با خاطرات تلخ آتش سوزی ساختمان پلاسکو و سیل سال ۹۵، که باعث تخریب بیش از ۳ هزار خانه در استان سیستان و بلوچستان شد، به قلب و روح ما می زند. دی ماه، ماه سختی است، اما یاد همه ایرانیان می اندازد که امدادگران جمعیت هلال احمر، در همه این روزهای سخت، همراه و هم دلانه کنار هم وطنانشان بوده اند، برای آن ها نه تنها خدمت زیر پرچم مقدس کشور مهم است، بلکه مثل امروز در خارج از مرزها، برای همدلی با امدادگران و مردم جنگ زده غزه دل نگران اند و برای کمک به آنها تلاش می کنند.





«بلا تکلیفی»، سر نوشت دیروز و امروز موزه هلال احمر در بم است؛

شهری که فراموش می شود!

رضا واعظی زاده ۲۰ سال گذشت. از زمستان سردی که زمین زیر پای بمی ها لرزید و ده ها هزار کشته برجا گذاشت. در بم همه چیز سر جایش است و ظاهر شهر نشانی از زلزله ندارد. اینجا به دنبال رد و نشان خدمات هلال احمر در زمستان ۸۲ می گردیم. در شعبه هلال احمر بم، در اتاقی مَهر و قفل شده به روی ما گشوده می شود که اشیا و اوراقی در آن چیده شده است. عکس چارلز سوم پادشاه کنونی بریتانیا در میان خرابه های زلزله بم را می بینیم که در آن روزها هنوز ولیعهد بود. عکس هایی از تیم های امداد رسان خارجی، حمل مصدوم در فرودگاه بم و فرود هواپیماهای گول بیگر آمریکایی و تصاویری از قبرستانی که لودرها، گورکن آن شده بودند. نامه های زیادی هم روی میز قرار دارد که اغلب آن ها درخواست های جست و جوی مفقودین هستند و دفترچه های هلال احمر برای توزیع اقلام در میان خانواده ها و نامه های مختلف اداری... همه این ها تنها بخش کوچکی از اشیاء جمع آوری شده برای ایجاد موزه هلال احمر در بم است. سال ۱۳۹۴ علی گنج کریمی مدیرعامل وقت هلال احمر استان کرمان با رسانه ها مصاحبه کرده و وعده برپایی این موزه را داده بود. رویایی که محقق نشد و همچنان در بلا تکلیفی درون سازمانی هلال احمر، دور از تحقق فرض می شود.

شهروند گفته بود: «نه ما و نه هیچ یک از دستگاه های مربوطه تاکنون موزه ای از زلزله بم ایجاد نکرده اند. هلال احمر به عنوان محور اصلی در عملیات امداد رسانی زلزله نیاز به ایجاد موزه ای دارد که هم شهر بم و شهروندانش و هم مسافران و گردشگران بسیار به آن نیازمندند. بالاخره یک جایی باید باشد که روایت یکی از پرتلقات ترین زلزله های دنیا را در شهر کوچک و تاریخی بم برای فرزندان آینده این شهر بدون سوگیری و با دقت بازگو کند.» سیدی از تهیه زمینی برای ساخت موزه زلزله می گوید. زمینی که سال ها رها شده است؛ بدون کوچکترین سازه یا نقشه ای برای ساخت و ساز حتی روی کاغذ. ما از این زمین بازدید کردیم. در میان کوچه های حوالی مرکز شهر بود. قواره کوچکی بود و اهالی و رهگذران، زباله های متنوعی در آن ریخته شده بود.

نیروهای امدادی برخورد کردم. این برخورد البته یک روزه و متمرکز نبود و آنها را با گذشت ماه ها از ادارات و دفاتر مختلف دولتی و خیریه جمع آوری کردم. مدیران هلال احمر استان کرمان و شعبه بم از اولین سال های پس از زلزله در فکر برپایی موزه زلزله بم بودند و این اشیا بر آنچه که آنها برای نمایش در موزه فرضی در نظر داشتند، افزوده شد. حاصل فعالیت پژوهشی او چاپ کتاب «تجربه نگاری زلزله بم» بود که توسط انتشارات موسسه علمی و کاربردی هلال احمر در سال گذشته منتشر شد. آن کتاب برگرفته از ده ها مصاحبه کیفی با کسانی است که به عنوان مدیر، آسیب دیده یا سازمان مردم نهاد در روزهای زلزله در شهر بم فعال بودند. جالب است که اکثر آن ها به ضرورت ایجاد موزه هلال احمر در بم اشاره کرده اند. احمد سیدی رئیس هلال احمر بم، سال گذشته به روزنامه

اکنون علی گنج کریمی در گفت و گویی تلفنی می گوید: «در دهه نود همه تلاش خود را کردیم تا زمین اختصاص یابد و د مرحله بعد ساختمان موزه ساخته شود. اما متأسفانه تا آن روز که من مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان بودم، تنها بخش اول کار انجام شد. البته دستگاه های دیگری هم بودند که با انتشار خبر موزه هلال احمر به صرافت برپایی موزه ای برای نمایش خدمات خود در بم افتادند. اما آن ها نیز مثل ما ناموفق بودند و عملاً کار را رها کردند.» پاییز ۱۳۹۴ «فخرالسادات هاشمی نسب»، پژوهشگر و جامعه شناس، به عنوان مدیر پژوهش تجربه نگاری زلزله بم فعالیت های تحقیقاتی را با جمعیت هلال احمر استان کرمان آغاز کرد. او می گوید: «در جریان این فعالیت به اسناد، اوراق، نامه های اداری، تعدادی دست نوشته و ۱۰۰ قاب عکس از چشم دوربین عکاسان مشهور کشور از زلزله بم، مردم حادثه دیده و

وانت‌ها در صف بودند تا هر که آنجا بود کمک کند و اجساد را در این گورهای جمعی به ردیف بخوابانند. هر که همراه جنازه‌هایش بود، نشانی می‌گذاشت و هر که نبود باید هفته‌ها و ماه‌های آینده را به تحقیقات برای پیدا کردن قبر عزیزانش می‌پرداخت.» این روایت علی خان‌بابا کارمند باسابقه جمعیت هلال احمر شهرستان بم است. بعد از این جملات یاد یکی از همشهریانش می‌افتد که به او گفته بود: «دو شبانه‌روز در قبرستان بالا سر خاکی که بچه‌ام را در آن دفن کردم ماندم. منتظر بودم تا این قسمت کمی خلوت‌تر شود و بتوانم نشان دقیقی روی خاک بگذارم تا قبر بچه‌ام را گم نکنم.» این روایت‌ها اگرچه دی ماه هرسال در لابه‌لای صفحات روزنامه‌ها ثبت می‌شود اما موزه هلال احمر می‌توانست به تصویر کشیدن آن‌ها، سهم خود را در یادمان آن‌روزها ادا کند. هلال احمر چگونه در آن بحران حاضر شد و از آن چه تجربه‌هایی آموخت؟

از عدم حفظ و نگهداری گزارش‌ها، اسناد و تصاویر و البته عدم اقدامی جدی برای پردازش اطلاعات به دست آمده از آن‌ها، انتقاد می‌کند و می‌گوید: «برپایی موزه هلال احمر در بم، اقدامی «علیه فراموشی» است که امیدوارم سریع‌تر به جریان بیفتد. جمعیت تا ماه‌ها در بم درگیر بود تا پاسخگوی نیازهای زلزله‌زدگان باشد و مشارکت کم‌سابقه‌ای بین نهادهای بین‌المللی، جمعیت‌های ملی مسلمان و صلیب سرخ با جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران رخ داد. باید این تجارب را ثبت و نگهداری کرد. این بخشی از هویت «یک قرن داوطلبی» ما در ایران را تشکیل می‌دهد. این‌ها تکه‌هایی از روح هلال احمر ۱۰۰ ساله ایران است.

«از عصر دوم زلزله، بیل‌های مکانیکی کانال حفر می‌کردند و از هر سو وانت‌هایی از مردم می‌رسیدند که از کف تا بالا تعداد زیادی جنازه را روی هم چیده بودند.

شهریار مزیدآبادی از سرپرستان تیم‌های امداد و نجات هلال احمر است که در آن روزها از تهران به بم اعزام شد. او می‌گوید: در تاریخ هست که مثلاً قاجارها چنان آثار شاخص صفوی را زیر گچ و رنگ بردند که نشان صفویه در تاریخ گم نشود و از آن سلسله چیزی جز نام نماند. این را رفتاری شایع در میان حکومت‌های تاریخ کهن ایران دانسته‌اند؛ نابودی نشان گذشتگان. ما در هلال احمر، ناخواسته همین کار را کردیم. اگرچه این کار را از روی دشمنی نکردیم؛ ولی با انفعال و سکوتمان آن را رقم زدیم. امروز از توفیقاتی که با اخلاص امدادگران در بم به دست آمد، چه نشانی بر جا مانده؟ اسناد کجا و تحت چه شرایطی نگهداری می‌شود؟ اصلاً اسناد حفظ شده یا خمیر شده‌اند؟ او ادامه می‌دهد، به زلزله رودبار می‌رسد، از زلزله بوئین‌زهر در قبل از انقلاب یاد می‌کند و دوباره می‌آید جلو تا به جنگ تحمیلی برسد و درباره همه این مثال‌ها



شهر فرو ریخته بتابد که ابعاد قابل قبولی از زندگی و جامعه آنها را به نمایش بگذارد. آنچه ما مشاهده کردیم بیانگر این بود که حال مردم بم در شهری که تلاش شده آثار زمین‌لرزه از آن پاک شود، خوب نیست. نوعی سرگشتگی در ذهن آن‌ها که روزهای زلزله را دیده‌اند، چرخ می‌زند و نوعی گسست هویتی در چشم نسلی نشسته که متولد سال‌های بعد از زلزله است و اکنون در ابتدای جوانی قرار دارد. سال‌ها قبل مصرعی از یک شاعر بمی در سوگ آن شهر معروف شد: «بم به امید خدا شاد و جوان خواهد شد» اکنون به نظر می‌رسد که بم بیست سال پس زلزله اگرچه جوان شده است، اما با تردید باید از شادی گفت.

آن روزها ندارد، چگونه هویت خود را در کالبد شهری می‌یابد که ظاهری سالم و معمول دارد و باطنی مخروب. باستان‌شناسان مطالعات زیادی بر لایه‌های زیرین شهرها انجام داده‌اند. اینکه شهری به دلیل جنگ یا بلای طبیعی ویران شود و بر ویرانه‌های آن شهری دیگر به پا خیزد؛ مورد نادری نبوده‌است. اینکه شهری پس از سانحه‌ای برای همیشه در تاریخ منجمد، و چراغ حیاتش خاموش شود هم بسیار است. همچون «شهر سوخته» در زابل. اگرچه فرآیند زنده و جوان شدن شهرها پس از فاجعه در اثر کاوش‌های باستان‌شناسی به کشف الگوهای روشمندی کمک کرده، اما چراغی پیدا نشده که طوری بر سرنوشت زندگی مردم یک

این روزها در بم به جز ساختمان چند طبقه اداره ثبت که فرو ریخته اما از وسط انحراف دارد و کج شده‌است؛ هیچ نشان دیگری از زلزله بم را در این شهر نمی‌بیند. برخلاف تصور، این خبر خوبی نیست! در واقع اتمام بازسازی و پایان ویرانی هدفی بود که اکنون محقق شده است اما یادبود و آثاری از آن فاجعه بزرگ باقی‌نمانده تا هم آیندگان بدانند که چه بر این مردم گذشت و هم بازماندگان و شهروندان بمی‌توانند با یاد عزیزان به گور رفته را تسکین دهند. روان‌شناسان معتقدند تقاضای فراموشی از مردم بم نه‌تنها ممکن نیست، بلکه احوال آنها را ناخوش می‌کند. نسل جدید که متولد سال‌های پس از زلزله است و تجربه و مشاهده‌ای از

روایت امدادگری که با به از خودگذشتگی
جان، ۲ کوهنورد را نجات داد

پنجه در پنجه مرگ در قله گاوکشان

بردیا صدیقی | امروز همه چیز تغییر کرده است، هم برای بردیا و هم برای دو کوهنوردی که در دره قله گاوکشان استان گلستان، اسیر شده بودند. انگار همین دیروز بود، زمانی که بردیا صدیقی ناامیدی را از دل کوهنوردان زدود؛ آنجا که انگشتانشان سیاه شده بود و خود را برای در آغوش گرفتن مرگ آماده می کردند، بردیا همچون قهرمانی از دل کوه به نجاتشان شتافت. همانجا که حتی همه امدادگران هم ناامید از نجات دو کوهنورد گرفتار بودند و سرما می شتافت و زندگی را می گرفت. دشمن امدادگران اما تنها سرما و برف نبود، بهمن هم منتظر یک اشتباه بود تا آن ها را زیر کوهی از برف زنده به گور کند ولی بردیا یک تنه، همچون قهرمانی به جنگ طبیعت رفت و کمک کرد تا زندگی آن ها پایان پیدا نکند. روایت بردیا از یک عملیات نفسگیر و در اوج ناامیدی تیم های امدادی را از زبان خودش بخوانید:

عصر جمعه بود و تازه از کوه برگشته و حسابی خسته بودم، لباس هایم را در آوردم، دراز کشیدم و چشم هایم را بستم. فکر این بودم اگر حادثه ای اتفاق افتاد، بگویم خسته ام و از مرکز کنترل بخواهم تا تیم دیگری را برای عملیات بفرستد، به عرشیا، برادر دوقلوبم هم گفتم که امروز دیگر توان شرکت در عملیات امدادی را ندارم. او هم گفت که دیشب کم خوابیده و با من هم نظر است.

آرامش قبل از طوفان

چشمانم را که بستم، گوشی تلفن زنگ خورد، از مرکز کنترل عملیات بودند.

وحید صنوبری گفت: «دو نفر در قله گاوکشان گم شدند و شماره تو را دادم، به تو زنگ می زنند، راهنماییشان کن...»
و خداحافظی کرد. اصلا به من امان ندا تا بگم نا دارم، گوشی که قطع شد بلافاصله دوباره زنگ خورد؛ گمشده های قله بودند. با خودم گفتم: «خب با تلفن راهنمایی می کنم و نیازی به رفتن به قله نیست.»

گوشی را جواب دادم، صدای نحیف و خسته یک مرد جوان که از شدت گریه نمی توانست حتی خوب صحبت کند، شنیده شد: «آقا تو را جان هر کسی که دوست دارید کمک کنید... آقا ما جوانیم... آقا خواهش می کنم...»

خشکم زد، آب دهانم را قورت دادم، جدی شدم و رفتم سراغ اصل مطلب، گوشی را روی بلندگو گذاشتم، عرشیا نقشه را باز کرد. از آن ها اطلاعات گرفتم و توضیح دادم که چه طور نقطه جی پی اس خود را بفرستند.

عرشیا اطلاعات را یادداشت کرد. تقریبا جایشان را متوجه شدیم، اما خبر تلخ این بود که اوضاع بد بود!

زنگ زدم به شیفت کشیک، شرایط را توضیح دادم، گفتند که تیم جمع شود و حرکت کنیم، نای حرکت نداشتیم اما با کوهنوردها صحبت کرده بودم، آن ها برای امداد رسانی خواهش کرده بودند.



آن ها هم جواب نمی داد. مسیر زیادی را رفتیم و هنوز هم مسیر زیادی باقی مانده بود. دهانه های کوه را بررسی می کردیم تا اگر راه بد است، از دهانه بالا بریم. یکی از مسیرها هم شیب زیاد بود و هم یخ، بنابراین نمی شد که برویم بالا، مجبور شدیم مسیر هلالی شکلی درست کنیم تا یخ ها را دور بزنیم. این کار مسیر ۱۰ دقیقه ای ما را یک ساعت و نیم عقب انداخت؛ مجبور بودیم، ریسک مسیر خیلی زیاد بود؛ چند مسیر به این شکل، عمل کردیم و همین، زمان زیادی را از ما گرفت.

بعد چند ساعت، هوا به هم ریخت. کولاک شدید ما را در هوا می گرداند، حتی یک قدم هم نمی توانستیم به جلو برداریم. هیچ صدا، نو و ارتباطی نداشتیم، گوشی های دو کوهنورد خاموش شده بود و عملا ارتباطی نداشتیم. ایستادیم. سرما از چند لایه لباس مان عبور می کرد و چون تحرک نداشتیم، در حال یخ زدن

سریع وسایل را جمع کردیم و رفتیم اداره. تیم واکنش سریع هم از گرگان آمده بودند، من و عرشیا به همراه دو نجاتگر واکنش سریع به سمت منطقه حرکت کردیم.
در طول مسیر باز هم به آن ها زنگ زدم و اطلاعات گرفتم. شرایطشان اصلا خوب نبود، وسط یک دره پر از برف گرفتار شده بودند و نه می توانستند بالا بیایند و نه پایین بروند، دما به شدت پایین بود و تجهیزات نامناسب.

نجات در شرایط سخت

پایگاه چهارباغ پشتیان ما شد، دقیقه به دقیقه حادثه را نظارت می کردند که مشکلی پیش نیاید. برف می بارید و باد هم شروع شده بود. تجهیزات را چک کردیم و بدون هیچ معطلی حرکت کردیم. زمین یخ زده بود، قدم برداشتن سخت بود، با کلنگ و کرامپون (یخ شکن) جای پا درست می کردیم، اما استفاده از



روایت؛ ۶ معجزه

مرضیه باغستانی | زنان در طول تاریخ بشردوستی و نوع‌دوستی، همواره نقش موثری داشته‌اند. از دردانه رسول خدا که فخر زنان و برترین زنان دنیاست و افتخار و روز مادر در تولد اوست، تا مادران و زنانی که در زمان معاصر و جنگ تحمیلی نقش به سزایی ایفا کردند؛ و اما مادری...
مادری، دنیای زیبایی است. مادر که می‌شوی، ایثار و گذشت را با بند بند وجود لمس می‌کنی و احساسات عجیبی در تو ایجاد می‌شود. حال، وقتی این حس با بشردوستی عجین شود، رنگ و بوی خدایی می‌گیرد و دنیای تازه‌ای به روی تو می‌گشاید. به همین دلیل است که در روز مادر، پای صحبت مادران داوطلبی نشسته‌ایم که هر کدام به نحوی معجزه خدمات داوطلبانه خود در طرح‌های بشردوستانه سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر را در زندگی‌شان به شکل نجات زندگی، رزق و برکت و... دیده‌اند.

سیمین کارساز - ۶۴ ساله - داوطلب اراک (معلم بازنشسته)

اعتماد مردم؛ سرمایه خدمت داوطلبانه



سیمین کارساز، در خانه هلال اراک مشغول خدمتی مادرانه است. از کودکی و با آموزش امداد و کمک‌های اولیه با هلال‌احمر آشنا شد و بعد از آن نیز در کنار شغل معلمی خود، همپای هلال‌احمر بود. این معلم بازنشسته، فرزندان و نوه‌های خود را نیز عاشق هلال‌احمر کرده است و در این باره می‌گوید: «خدمت به خلق باید در ذات انسان باشد، این کارها دلی است.» همسر فرهنگی سیمین همیشه حامی اوست و پایه‌پایش بوده است تا به بهترین شکل و در راستای هدف عالی سازمان داوطلبان، حلقه اتصال نیازمندان و توانمندان باشد.

این زوج فرهنگی بازنشسته، اعتماد مردم را بالاترین سرمایه خود می‌دانند و دوستان خود را نیز به عنوان حامیان مالی، همراه برنامه‌های بشردوستانه هلال‌احمر کردند تا با کمک هم بتوانند قدمی برای دستگیری از نیازمندان بردارند و معتقدند که در مسیر نوع‌دوستی، خدا همه راه‌ها را باز می‌کند. از کمک به کودک بی‌سرپرست که حالا پرستار بیمارستان دولتی شده تا آزادی زندانی، تهیه اقلام پزشکی و تهیه سرپناه برای مهرجویان می‌گوید و با مرور خاطرات بغض‌گلویش را می‌گیرد و اشکش جاری می‌شود. آنقدر با عشق کارها را انجام می‌دهد و دلسوزانه در این مسیر حاضر است که گویی از اعضای خانواده خود حمایت می‌کند و همواره از توفیق خدمات لذت می‌برد.

زهره بخشی - ۳۸ ساله - داوطلب شیراز (خبر و کارآفرین)

تجربه خدمت بدون حصار در جمعیت هلال‌احمر



نانوایی توانسته برای چندین مددجو اشتغال ایجاد کند. از پرداخت کمک هزینه دارو و درمان تا تهیه تجهیزات و مسکن و... هر چه که لازم باشد، بدون چشم‌داشت و با کمال میل برای بهبود شرایط زندگی مراجعین انجام می‌دهد. این خیر نیک‌اندیش، علاوه بر کمک‌های نقدی خود، با همراهی خانواده و دیگر خیرین، پای کار خدمت به خلق ایستاده است و معجزه‌ها از خدماتش دیده است. او می‌گوید: «هلال‌احمر و کمک به مردم را دوست دارم و بدون هیچ ملاحظه‌ای هر چه از دستم بربیاید، انجام می‌دهم.»

زهره بخشی ۳۸ سال دارد و مادر یک پسر ۱۲ ساله است. او که در خانه هلال منطقه تفهیان ۱۵ کیلومتری شهر شیراز مشغول خدمت است، صبور و متین به مردم پاسخ می‌دهد. خانم بخشی از کودکی روحیه خدمت به خلق و بشردوستی را در خود تقویت کرده است و مرکز خیریه گل یاس نبوی، همکاری با کمیته امداد و فعالیت داوطلبانه ۱۲ ساله او در هلال‌احمر نیز، خود گواه این ماجراست. پسرش هم ذوق هنری و ادبیات خوبی دارد و پا به پای مادر در برنامه‌های فرهنگی هلال‌احمر حاضر می‌شود. این مادر کارآفرین، با راهاندازی دو واحد

اعظم درویشی - ۴۱ ساله - داوطلب بندرکنگان بوشهر (خبر و کارآفرین)

خدمت به خلق؛ برکت و معجزه زندگی است!



ظهور رسانده است. پسرانش نیز در کارهای خیر همراهی او را دوست دارند. از برپایی ایستگاه‌های صلواتی تا تهیه و توزیع بسته‌های معیشتی و برگزاری کلاس‌های آموزشی را بر عهده گرفته‌اند. این مادر فعال بارها معجزه این خدمات خود را دیده است و می‌گوید: «به چشم خود دیده‌ام که خدا به برکت اهل بیت و دعای خیر مردم، مرده را زنده می‌کند و جان دوباره می‌بخشد.» تنها دغدغه او، ترویج هنر دست زنان پرتوان منطقه است و آرزو دارد تا صنایع دستی بانوان دیده شود و بازار خود را پیدا کنند؛ چرا که به نظرش همه ثروتمند آفریده شدند فقط باید فرصت دیده شدن و عرضه پیدا کنند.

اعظم درویشی ۴۱ سال دارد و مادر ۴ پسر پرشور و با انرژی است. او ۱۶ سال است که در کار خیر قدم گذاشته و حضور خانه‌های هلال در بندرکنگان استان بوشهر، اقدامات او را رنگ و بوی هلالی بخشیده است. او که یک کارآفرین دلسوز و نمونه است، با کمک ۷۰۰ خیر، در محلات کم‌برخوردار اشتغال ایجاد کرده است. تولیدی میوه و سبزیجات خشک، تهیه لوازم صبحانه برای اداره‌ها از نمونه مشاغل ایجاد شده است. او در آموزشگاه خود نیز، هنرهای بومی را آموزش می‌دهد و با تولید صنایع دستی توسط زنان سرپرست خانوار، هنرهای حصیربافی، نقطه کوبی، منبت روی چوب، فیروزه‌کوبی و... را به منصفه

خدیجه محمودی-۵۸ ساله- داوطلب حصارک کرج (پرستار)

فرزندان؛ بازوان توانمند مادر در عرصه داوطلبی!



بی‌سرپرست و بدسرپرست حصارک، فرصت اشتغال و کسب درآمد فراهم کرده است. برایشان چرخ خیاطی تهیه می‌کند، به آنها آموزش می‌دهد و در صورت علاقه و تمایل آنها را در کارگاه مشغول می‌کند و حال که ماهیگیری آموخته‌اند، خود نیز می‌توانند مشغول دوخت و دوز شوند. این کار را از شروع کرونا و با راه‌اندازی خط تولید ماسک و گان آغاز کرده‌است. او علاوه بر پرستاری از همسر جانبازش، مرهمی است بر درد دردمندان منطقه حصارک! در طولانی‌ترین شب سال نیز، علاوه بر تهیه و توزیع بسته‌های پلدانه، به دیدار مادر شهیدی که سالخورده محل بود رفتند و با این مادر با تجربه لحظات خوشی سپری کردند.

خدیجه محمودی در خانه هلال حصارک بالا در حوالی کرج مشغول فعالیت است. این مادر مهربان، پرستار است و علاوه بر فعالیت‌های پشتیبانی در زمان کرونا، زلزله و... اگر مددجویی خصوصاً در محلات کم‌برخوردار نیاز به خدمات درمانی داشت، بر بالینش حاضر می‌شود. هر دو پسر و تنها دخترش نیز در این مسیر با او همراه هستند. از حضور و همراهی در تهیه و توزیع سبدهای معیشتی تا کمک‌های نقدی و اعلام فراخوان در میان همکارانشان برای تقویت اقدامات داوطلبانه مادر! خانم محمودی که ۵۸ سال دارد، در کارگاه تولیدیش، لباس بیمارستانی تولید می‌کند و برای بانوان

سمانه الادری-۳۸ ساله-داوطلب بیرجند

هر خانواده ایرانی؛ چند امدادگر داوطلب



داشته باشند تا در زمان بحران هم بتوانند به نیروهای امدادی کمک کنند و هم جان خود و اطرافیان را نجات دهند. خانم الادری که حالا ۳۸ سال دارد، چند سالی است این مسیر بشردوستانه را انتخاب کرده است، کلاس‌های امداد و کمک‌های اولیه را نیز به صورت مکرر برگزار می‌کند تا همه بدانند در لحظات طلایی چه اقدام حیاتی برای نجات فردی که دچار حادثه شده است، بردارند. الادری که چند سالی است این مسیر بشردوستانه را انتخاب کرده است، می‌گوید: «آثار دعای مردم در زندگی دیده‌ام و از وقتی از طریق هلال احمر به مردم کمک می‌کنم، خیر و برکت در زندگیم بیشتر شده است.»

سمانه الادری در خانه هلال مسجد قبا مهرشهر بیرجند پای کار است تا قدمی برای رفع گرفتاری مردم بردارد. دو فرزندش نیز همراهیش می‌کنند. امیرعلی و مطهره، که حالا دوران نوجوانی را سپری می‌کنند، از کودکی عضو هلال احمر شدند و کلاس‌های امدادی را گذرانده‌اند تا همیشه آماده باشند و هر کمکی بتوانند به مادر می‌دهند. برای بسته‌بندی اقلام سبدهای معیشتی و توزیع آن نیز زودتر از دیگران حاضرند تا بسته‌های آماده شده را به خانواده‌هایی که از قبل شناسایی شده‌اند برسانند. این خانواده پرانرژی و صمیمی، معتقدند هر خانواده ایرانی باید چند امدادگر داشته باشد و همیشه کیف امداد و کمک‌های اولیه و اقلام اضطراری را در خانه

جمیله مداح-۴۶ ساله-داوطلب سمنان

داوطلبان؛ سرمایه کار داوطلبی



دارد. خانم مداح در سابقه ۱۵ ساله فعالیت داوطلبانه خود، روزهای مختلفی را گذرانده و تجربه بسیاری در مسیر خدمت پیدا کرده است. او از همه تجربیاتش در راه کمک بهتر و شایسته‌تر منطبق بر اصول و اهداف این نهاد مردمی استفاده می‌کند. او می‌گوید: «داوطلبان با عشق خدمت به مردم در برنامه‌ها حاضر می‌شوند و امیدوارم بتوانیم برای نگهداشت و جذب بیشتر این افراد با انگیزه و عاشق، اقداماتی انجام دهیم تا علاوه بر نگاه خدا در زندگیشان، ما هم دلگرمی دهیم به خدمت داوطلبانه و ایثارگونه آنها.»

جمیله مداح مسئول خانه هلال سمنان است و حالا که در آستانه ۴۶ سالگی‌ست، معجزه خداوند را در سلامتی خود و دو فرزندش بارها دیده است، قاطعانه از اثرات دعای خیر مردم در زندگیش می‌گوید. از راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه تا همکاری با پزشکان داوطلب و حضور در کاروان سلامت و تهیه جهیزیه و... همه را برای خوب شدن حال دلش انجام می‌دهد. با خیرین و پزشکان داوطلب زیادی در ارتباط است و از اینکه می‌تواند در کنار دوستانش به مردم خدمت کند بسیار خوشحال است. با عشق و سرشار از انرژی مثبت از کارهایشان می‌گوید و این که با بودن در هلال احمر می‌تواند به دیگران کمک کند را دوست

هلال احمر فلسطین از شروع جنگ چه اقداماتی در غزه انجام داده است؟

ایستاده در طوفان

لیلا شوقی | یک تنه ایستاده اند روی دشمن. سلاح آن‌ها مهربانی و عشق به بشریت است و در مقابل، دشمنشان، توپ و تانک و تفنگ را ردیف کرده است برای این که زخم‌شان بزند و جان و توان‌شان را بگیرد. آن‌ها با همین عشق و دوستی تا به امروز که ۴ ماه از آن روز می‌گذرد، ایستاده‌اند؛ از نیمه مهرماه که رژیم صهیونیستی، برای کودکان و بانوان بی‌دفاع فلسطینی، شاخ و شانه کشید و بی‌رحمانه حمله کرد. در این راه، شهدا و زخمی‌های زیادی را هم داده‌اند؛ آمبولانس‌ها و مراکز درمانی‌شان، ویران شده است با وجود این اما ایستاده‌اند با همه توان. حق هم دارند، تقریباً تنها نهاد و گروهی هستند که می‌توانند در مقابل دشمن، مرهم زخم مردم باشند؛ آن‌ها داوطلبان و کارکنان جمعیت هلال احمر فلسطین‌اند و در نوار غزه تلاش می‌کنند برای صلح؛ هدفی که جزو آیین و اعتقادشان است. شاید اگر آن‌ها نبودند، مردمی که ساکن‌اند در این باریکه، نایی برای مقاومت نداشتند؛ آن‌ها همه می‌دانند و دل‌شان قرص است به برادران و خواهرانی که از جنس نورند، از جنس مهربانی و امداد.



به امروز اخبار، آمار و ارقام می‌گوید که حدود ۲۵ عضو جمعیت هلال احمر شهید شده است. آماری از تعداد مجروحان نیست، تعداد زخمی‌ها احتمالاً خیلی بیشتر از این است؛ اما تصاویر بی‌شماری از آمبولانس‌هایی که هدف قرار گرفته‌اند وجود دارد. آشنایی با جمعیت هلال احمر فلسطین شاید شرایط این جمعیت را برای مخاطب مشخص کند؛ مثل همه صلیب سرخ‌ها و جمعیت‌های هلال احمر کشورها و ملت‌ها، جمعیت هلال احمر فلسطین هم یک نهاد غیرانتفاعی و عام‌المنفعه است که بر اهداف ۴ گانه معتقد است. همه اقدامات این جمعیت مثل هم کیشان خودش، بشردوستانه است و فرقی ندارد، افرادی که مورد کمک قرار می‌گیرند، چه رنگ پوست و دینی دارند و در چه جغرافیایی زیست می‌کنند، آن‌ها از کمک جمعیت هلال احمر فلسطین بهره‌مند می‌شوند. در حدود ۴ ماه گذشته و از ۱۵ مهرماه، این جمعیت با این تفکر، فقط به بیش از ۳ میلیون و ۴۸۳ هزار و ۶۰۰ نفر کمک کرده است اما اگر بخواهیم تاریخچه‌ای از این جمعیت داشته باشیم، باید برگردیم به سال ۱۹۶۸ که PRCS و یا همان جمعیت هلال احمر فلسطین تأسیس شد. از همان روزهای ابتدایی تأسیس، ارائه خدمات پزشکی، مراقبت‌های

امدادگران از جان گذشته

مثل بیسپاری از جنگ‌ها و حملات رژیم صهیونیستی، نیمه مهرماه، دوباره از نو، حمله‌ای اتفاق افتاد. همه فکر می‌کردند که این دست درازی، مانند حملات قبلی است، راستش آن زمان همه گفتند که کسی کاری با جمعیت هلال احمر این کشور ندارد، اما حمله به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها و شهید شدن ۴ نفر از اعضای داوطلب جمعیت هلال احمر فلسطین، در روزهای ابتدایی، همه این تفکرات را برهم زد. همه گفتند که این امکان ندارد، چراکه طبق قوانین بین‌المللی حمله به غیرنظامیان مانند کودکان، بانوان و سالمندان، مراکز درمانی و حتی کادر درمان غیرقانونی است؛ هرچند که همه می‌دانند بمب‌ها شعور تفکر ندارند و حتی ممکن است روی سر دانش‌آموزی که در مدرسه سر کتاب و درسش است، بیفتد، اما این بار رژیم صهیونیستی، از قصد و با هدف، آمبولانس‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را هدف قرار می‌دهد. در همان روزهای ابتدایی این اتفاق، جامعه بین‌المللی و صلیب سرخ اعلام کرد که بهتر است، اعضای جمعیت هلال احمر، نواز غزه را تخلیه کنند، نتیجه اما این بود که آن‌ها مانده‌اند و همچنان هم برای خدمات‌رسانی حاضرند. تا

۱۵ سالی می‌شود که گاه و بی‌گاه خبری منتشر می‌شود از کشت و کشتار در باریکه غزه. این رسم خبری شده است انگار که هرازچندگاهی، به گوش جهان بخورد و نامی از «فلسطین» و «نوار غزه» بشنود، هرچند که این نام‌ها و اخبار، گم و یا فراموش می‌شود در انبوه اخبار و سوگیری خبری رسانه‌ها. سوال اما این است که چرا این جنگ ۱۵ ساله، که البته قدمتی بیشتر از این دارد، تمام نمی‌شود؟ چرا رژیم صهیونیستی هر وقت ویرش می‌گیرد، جنگی را شروع می‌کند و به فکر گرفتن جان از کودکان و مادران می‌افتد؟ کاری به دشمنی این رژیم با حماس و آنچه که در تاریخ گذشته نداریم، اما در اسناد متعدد مدارکی وجود دارد؛ از جمله مکاتبات «بن گوریون» نخستین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که توضیح می‌دهد: «سران صهیونیست به چیزی کم‌تر از تصرف «همه سرزمین فلسطین» قانع نیستند.» و به دست آوردن نوار غزه، که پر از جمعیت فلسطینی وفادار به حماس است، می‌تواند موفقیت بزرگی باشد، حتی اگر، ۱۵ سال قبل، پیمانی بسته شد و رژیم صهیونیستی، مالکیت غزه را به سرزمین فلسطین واگذار کرد، وقت اما برای پیمان‌شکنی بسیار است و حمله‌ها می‌توان ترتیب دارد و کشتارها کرد.

هزار و ۷۵۰ دلار برای کمک به افراد آسیب پذیر در اختیار گرفت. امداد رسانی در بیمارستان ها و مراکز درمانی شروع شد اما بیمارستان القدس غزه آسیب دید و امدادگران و داوطلبان مجبور به ترک این بیمارستان شدند. با خارج شدن بیمارستان از ارائه خدمات، امداد رسانی هم دچار اختلال شد، تأمین سوخت، ژنراتورهای برق و تجهیزات به سختی انجام گرفت. تأمین غذا و آب برای آوارگان و مجروحان زمانی که محاصره شدت گرفت. از ۲۱ اکتبر یا همان ۲۹ مهرماه تا ۹ دسامبر، ۱۸ آبان ماه، اجازه ورود ۳۱۰ کامیون کمک بشردوستانه به نوار غزه داده شد. پس از آن اما خصوصت ها و محاصره تشدید پیدا کرد، تا جایی که وزارت بهداشت فلسطین تلفات این حمله را نسبت به ۱۷ سال گذشته سخت تر و بدتر دانسته است. طبق آمار این وزارتخانه و از ۱۵ مهر تا ۱۹ آبان، بیش از ۱۷ هزار و ۹۷۷ نفر کشته و زخمی شدند. با این حال اما، اعضای جمعیت هلال احمر منطقه جنگی نوار غزه، آماده به خدمت ایستاده اند.

بهداشتی پیش بیمارستانی، مدیریت خطر بلایا، حمایت روانی اجتماعی، مراقبت های اولیه و ثانویه مبتنی بر جامعه و ارائه خدمات توانبخشی از اهداف این جمعیت بوده و است. در راستای همین اهداف هم در این مدت زمان، در ۴ ماه گذشته، اعضای این جمعیت، در نوار غزه مانده اند و خدمات ارائه می دهند.

حضور اثر بخش

روز ۱۵ مهرماه، یا همان ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، جهان در خوابی عمیق بود که اولین بمب روی سر ساکنین غزه هوار شد. هر چند که ساکنین این نوار عادت دارند به شروع این چنینی صبح، با این وجود اما اعضای جمعیت هلال احمر فلسطین، یا شاید بهتر است بگوییم، اعضای جمعیت هلال احمر غزه، وضعیت اضطراری اعلام و همه نیروهای داوطلب را برای ارائه خدمات بسیج کردند. بلافاصله بیمارستان های نوار غزه، مراکز بهداشتی و درمانی و تمام مراکز پشتیبانی و هماهنگی (EMS) این منطقه در حالت آماده باش قرار گرفت. همان زمان، جمعیت هلال احمر منطقه، ۱۲۷ میلیارد و ۸۹۱

نواری پر ماجرا

اسمش را گذاشته اند نوار غزه، البته نوار و باریکه هم است، باریکه غزه، ۳۶۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و از شمال و شرق با اسرائیل و از جنوب با مصر هم مرز است؛ این منطقه ۱۱ کیلومتر مرز مشترک با مصر، ۵۱ کیلومتر با رژیم صهیونیستی و ۴۰ کیلومتر با ساحل مدیترانه هم مرز است که اجازه عبور و مرور کشتی های بین المللی در آن وجود ندارد. طول نوار غزه ۴۱ کیلومتر و عرض آن نیز بین ۶ تا ۱۲ کیلومتر است. بیش از ۲ میلیون و ۳۰۰ نفر در این منطقه زندگی می کنند و غزه یکی از پرجمعیت ترین مناطق جهان از نظر تعداد جمعیتی است. این منطقه به عنوان پرتراکم ترین منطقه جهان شناخته می شود. نزدیک به ۶ هزار نفر در هر کیلومتر مربع از مساحت باریکه غزه زندگی می کنند. ساکنین این منطقه عرب نشین و ۹۸ درصد آن ها مسلمان اند. اکثر ساکنان نوار غزه از نسل آوارگان فلسطینی هستند که در جریان جنگ سال ۱۹۴۸ بین اسرائیل و اعراب مجبور به ترک خانه های خود شدند. ماجرای جنگ و محاصره به حدود ۱۵ سال قبل برمی گردد، به سال ۲۰۰۶ که اسرائیل پس از ربوده شدن یک سرباز این کشور، محدودیت رفت و آمد زمینی، دریایی و هوایی به باریکه غزه را به اجرا گذاشت. محاصره نوار غزه در سال ۲۰۰۷ پس از به قدرت رسیدن حماس در این منطقه تشدید شد. در مقابل، مصر از سال ۲۰۱۸ تاکنون اغلب گذرگاه مرزی رفح را باز نگه داشته است. این گذرگاه در عمل تنها راه مبادله و رفت و آمد برای ساکنان غزه محسوب می شود. دیگر گذرگاه ها و مرزهای نوار غزه تحت کنترل اسرائیل قرار دارد.



امکانی برای کمک

جمعیت هلال احمر فلسطین برای ارائه خدمات، باید امکانات و مراکز دیگری داشته باشد، امکاناتی که برای کمک رسانی به افراد نیازمند به کمک آن ها لازم است.

کارمند:

۳۰۰۰



داوطلب:

۳۱۰ هزار و ۳۱۰ نفر



کمیته های جامع:

۱۹۶

انبارها:

۱۸

بیمارستان:

۱۵

۱

مرکز بهداشتی:

۳۰۰۰



مرکز توانبخشی:

۴۰

مرکز هماهنگی و هماهنگی (EMS):

۱۵

آمبولانس:

۱۶





روایتی از زندگی یک پناهجوی سوری که با حمایت‌های همه‌جانبه هلال احمر و صلیب سرخ، زندگی می‌گذارد

سرنوشت غم‌انگیز یک آواره

مانده شکیب | زمانی که داشتن امنیت تبدیل به یک خواسته بیش از اندازه و بزرگ شود انتخابی جز پشت سر گذاشتن و ترک هر چه که داری وجود ندارد. این احساسی است که دالیا، مادر ۳ فرزند در سال ۲۰۱۱ تجربه کرد؛ زمانی که او و همسرش تصمیم به فرار از زادگاهشان، ادلیب گرفتند، برای فرار اما باید به دنبال جایی جدید گشت، همسایه‌شان ترکیه، اولین گزینه‌ای بود که به ذهنشان خطور کرد. حالا این بانوی سوری و خانواده‌اش به لطف حمایت‌های همه‌جانبه هلال احمر و صلیب سرخ، زندگی رضایت‌بخش و امنی دارند. دالیا پناهنده سوری با مرور خاطرات خود از آغاز سفرش به سوی ترکیه می‌گوید: او به یاد دارد، بمباران و حمله‌های هوایی شدید را که او و خانواده‌اش را مجبور به ترک خانه‌شان کرد. تنها خواسته و نیاز او در آن زمان، یافتن یک پناهگاه امن برای فرزندانش بود.

بیشترین اهمیت را داشت. دالیا که پیش از این و در سوریه، محل زندگی‌اش، تجربه کار در زمین‌های کشاورزی و کار زراعت را داشت، به تازگی شروع به کار در گلخانه کمپ کرده است. او در آنجا مشغول به رسیدگی به سبزیجات و درختان میوه است. برای او کار کردن در زمین کشاورزی مساوی با آرامش است، نه تنها به خاطر آرامش بلکه این اتفاق، یک فرصت برای سرمایه‌گذاری درست در صرف و قتش و یک فرصت مناسب برای به دست آوردن درآمد اضافی است. به خصوص در زمان شیوع بیماری کرونا که محدودیت‌هایی در حمل و نقل ایجاد شده و همین اتفاق، باعث شده بود که بسیاری از پناهندگان درآمد اضافی خود را از دست بدهند.

سال بعد و در طول سفر آن‌ها به سوریه، شوهر دالیا کشته و او به تنها سرپرست خانواده تبدیل شد. زندگی دالیا بسیار سخت و بی‌رحم بود؛ اما امروز او هر چه را که در زمان فرار از کشور جنگ‌زده خود آرزویش را داشت، دارد. دالیا حالا در یک کمپ که توسط دولت ترکیه حمایت می‌شود در جنوب استان هاتای زندگی می‌کند و از سال ۲۰۱۲ ماهانه کمک‌هایی از سوی برنامه تغذیه جهانی و همکاران این سازمان، یعنی هلال احمر ترکیه دریافت می‌کند.

دالیا می‌گوید که داشتن پناهگاه و غذا دو نگرانی اصلی او در زمان رسیدن به ترکیه بود؛ همچنین زندگی کردن در یک مکان امن و دسترسی به مواد غذایی اصلی مانند ماست، تخم‌مرغ و نان برای او،

یک زندگی معمولی

دالیا و شوهرش در شهر خود، ادلیب کشور سوریه، به شغل کشاورزی مشغول بودند. پرورش گیاهان، چیدن میوه‌هایی مانند آلو، سیب و زیتون و تهیه روغن زیتون منبع اصلی درآمد این خانواده بود. یک زندگی ساده و در عین حال رضایت‌بخش، اما گاهی، زندگی سر جنگ دارد با افرادی که به کمترین، راضی‌اند و خوشحال در کنار خانواده‌اند. با شروع جنگ، همه چیز تغییر کرد. دالیا توضیح می‌دهد: «مادر سال ۲۰۱۱ به ترکیه نقل مکان کردیم و در سریع‌ترین زمان ممکن در یک کمپ در استان هاتای مستقر شدیم.»

با این حال این احساس ثبات نسبی مدت زیادی دوام نداشت. یک

زندگی با کارت الکترونیکی

در سال ۲۰۱۷ بعد از ۶ سال پناهندگی، دالیا و سه فرزندش احمد، نور و عبدالکریم به سوریه سفر کردند تا به زیارت قبر شوهرش بروند؛ اما این سفر طبق برنامه پیش نرفت. دالیا روایتگر این سفر پر ماجراست. او به دلیل حمله‌های هوایی، هفت روز را زیر یک درخت، گذراند.

این مادر کشاورز اما جان سالم به در برد و حالا در کمپ زندگی می‌کند، اتفاقی که از آن به نیکی یاد می‌کند و می‌گوید: «من واقعاً خوشحال هستم که این فرصت را در کمپ دارم که در ساعت‌های کاری فرزندانم را ببینم و برای همه چیز شکر گزارم.»

تحت برنامه کارت‌های الکترونیک غذایی از سال ۲۰۱۲ برنامه جهانی تغذیه و حمایت کمیسیون حقیقت و آشتی، سوری‌های تحت حمایت موقت و پناهندگان تحت حمایت بین‌المللی که در مراکز اسکان‌های موقت (اردوگاه پناهندگان) در جنوب شرق ترکیه زندگی می‌کردند، حمایت می‌شوند. کوپن‌های الکترونیک حامل ۱۴ دلار آمریکا که ۱۲ دلار آن به غذا اختصاص داده شده است، به پناهجویان اهدا می‌شود.

با این کارت‌ها می‌توان در بازارهایی که با کمپ‌ها قرارداد همکاری امضا کرده‌اند، خرید کرد. با مشارکت آژانس توسعه جهانی کشورهای ایالات متحده، ژاپن، کره و نروژ، برنامه جهانی تغذیه و کمیسیون حقیقت و آشتی قادر به اجرای این برنامه است. برنامه حمایت از پناهجویان، از ۵۰ هزار پناهنده حمایت می‌کند.





روایت روزهای دشوار امدادگران هلال احمر در غزه؛

زخم جنگ بی‌قانون

دلشان نیامده است که بگذارند و بروند، امدادگران و نجات‌گرانی را می‌گوییم که در باریکه غزه مشغول به خدمت‌اند، با این که رئیس صلیب سرخ، قصد خروج امدادگران را داشت اما امدادگران ماندند و خدمت کردند. روایت آن‌ها از خدمت‌شان خواندنی است.

شرایط وخیم روحی امدادگران

است، با خانواده‌شان ارتباط برقرار کنند و صدای آن‌ها را حتی برای چند دقیقه در روز بشنوند. مورد سومی که آن‌ها به طور روزانه شاهدش هستند، خون، جراحت و شهادت است و ۲۴ ساعت از شبانه‌روز، همه روز و شب را با این صحنه‌ها روبه‌رو می‌شوند که سلامت روان و روح آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. امدادگران بسیار منضبط هستند و توانسته‌اند تا این لحظه تمام تلاش خود را به کار بگیرند، آن‌ها می‌توانند ادامه بدهند و خونسردی خود را حفظ کنند اما شرایط سخت است. باید این پیام را به دنیا بدهیم که بعد از جنگ، این افراد (امدادگران و بهیاران) به مراقبت ویژه، نوع خاصی از تخلیه عاطفی و بهبودی از نظر جسمی و روحی نیاز دارند. آن‌ها به توجه نیاز دارند و باید به تاثیر ضربه روحی و روانی که تجربه کرده‌اند، توجه شود.

کوشا گلکار | به طور کلی از شروع جنگ، امدادگران و بهیاران هلال احمر فلسطین با شرایط بسیار خشنی روبه‌رو شده‌اند، آن‌ها با دانستن این که مورد هدف قرار می‌گیرند، از هیچ کمکی دریغ نکرده‌اند. تعداد زیادی آمبولانس و وسیله نقلیه از بین رفته است، امدادگران زیادی در طول این جنگ شهید و مجروح شده‌اند. همه این اتفاقات بر سلامت روان امدادگران و بهیاران تاثیر می‌گذارد. آن‌ها که با پوشیدن لباس‌هایی با نشان هلال احمر، احساس امنیت می‌کردند و امنیت آنها تضمین می‌شد، حالا به دلیل تجربیاتی که در ۷ اکتبر به دست آورده‌اند، دیگر چنین احساسی ندارند. حالا امدادگران چهارمین ماهی است که از خانواده‌هایشان جدا افتاده‌اند و دورند؛ همانطوری که خودشان اشاره می‌کنند: «فقط می‌خواهند برای یک لحظه هم که شده

امییتی که نیست

هستیم، در امانم. گلوله به من برخورد کرد، شدت درد بی‌نهایت بود. همانطور که هوشیاری‌ام را از دست می‌دادم، به دخترم فکر می‌کردم. نیروهای درمانی فلسطین از ابتدای شروع جنگ امروزه بیشتر از همیشه در خطرند. ارتش اسرائیل، کادر درمان فلسطینی را که در حال درمان و یا انتقال مجروحان هستند، با اسلحه تهدید می‌کنند؛ در حالی که آن‌ها فقط در حال نجات جان دیگران هستند.

زهرآ توکلی ادیب | صابرين، دوران نقاهت ضربه گلوله‌ای را که به او اصابت شده است، می‌گذراند. او یکی از سه زن امدادگری بود که با ناوگان آمبولانس در شهر جنین در نوار غربی اشغالی کار می‌کرد اما گلوله اشغالگران، پشت آمبولانس را سوراخ و به کمر صابرين، با فاصله کمی از ستون فقرات او، برخورد کرد. صابرين می‌گوید: «من در حال کمک به مجروحان بودم و فکر می‌کردم چون در آمبولانس

دو روایت از غزه

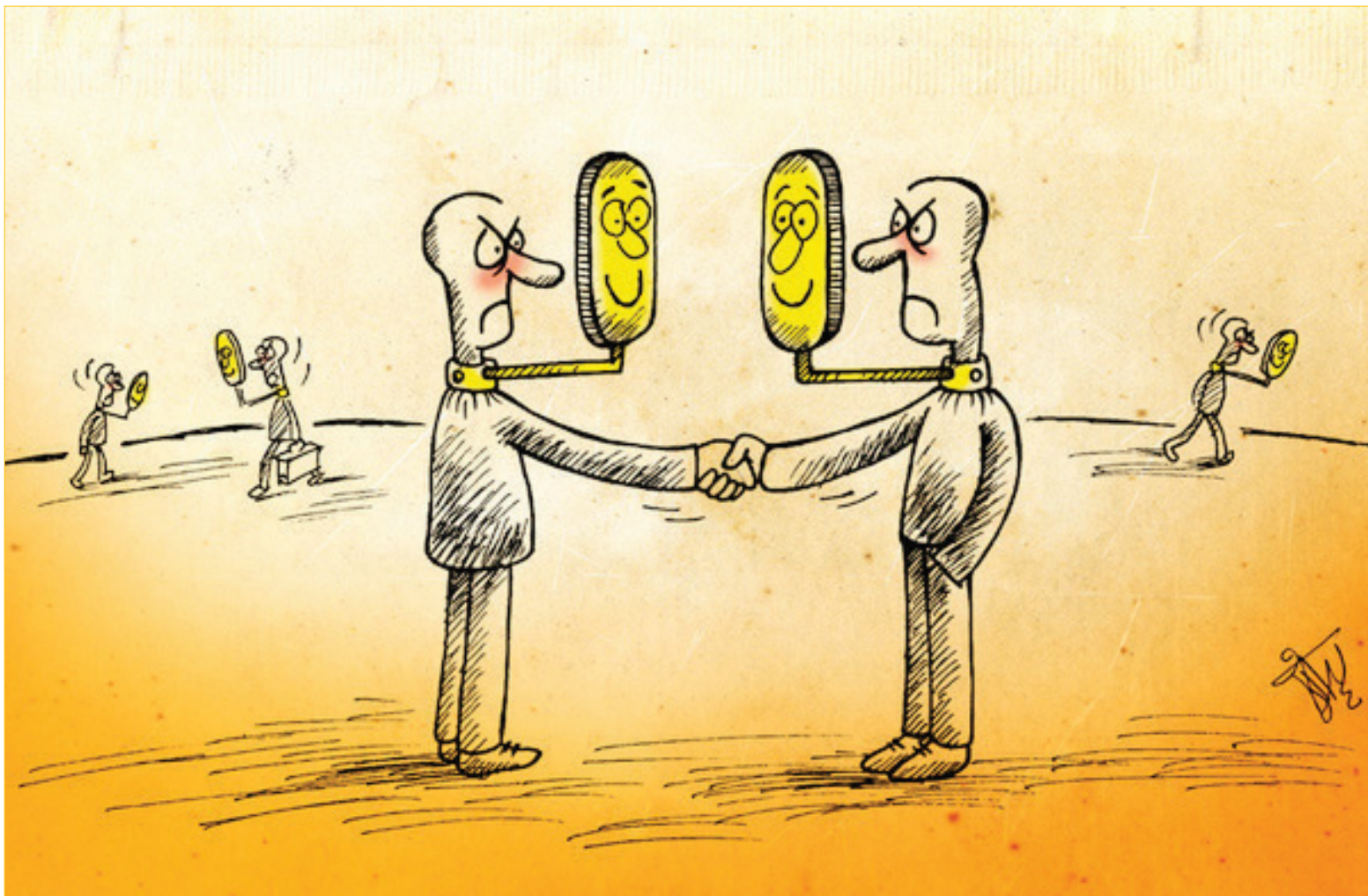
برقراری ارتباط با خودورهای امدادگران و آمبولانس‌هاست. تا به حال ۵۰ تا ۵۱ خودروی باری سنگین حامل محموله‌های بشردوستانه و با همکاری سازمان‌های بین‌المللی، از مرز رفح (مرز بین فلسطین و مصر) وارد غزه شده است. چالش‌های زیادی برای رسیدن محموله‌ها به غزه وجود دارد. زمان زیادی برای بازرسی و امنیت ورود و خروج صرف می‌شود، حالا که فصل زمستان است، وضعیت مرزها و زیرساخت‌های نامناسب است و نیروهای داوطلب برای تقسیم، بارگیری و رساندن محموله به دست افراد نیازمند نیاز داریم.

امیرملکی یکتا | شرایط در نوار غزه، وخیم است، اینترنت به زودی قطع می‌شود، هرچند که بسیاری در تلاش‌اند تا از سیستم‌های بی‌سیم، VHF استفاده کنند؛ اما این مسئله، آزادی اطلاع‌رسانی و سرعت زیاد را از ما می‌گیرد. حالا اینترنت بسیار ضعیف است و اگر وصل هم شود، به شدت پرازیت دارد که باعث سختی ارتباط با آمبولانس‌ها می‌شود، مخصوصاً زمانی که برق سیستم‌های تقویت‌کننده بی‌سیم VHF از کار بیفتد. در حال حاضر، تنها سیستم، مرکز یونیسف است و تنها راه ارتباطی غزه هم در این مرکز است که همین یک چالش بزرگ برای

رفتارهای سمی در محیط کار

عاقبتِ همکار زیر آب زن

سمیرا صیدی | همه آدم‌ها با هم متفاوت‌اند، اصلاً خداوند هیچ دو نفری را شبیه به هم نیافریده است، حتی دو قلوهایی که کروموزم‌های یکسانی دارند هم از نظر رفتاری و ظاهری با هم متفاوت‌اند، بنابراین طبیعی است که کارمندان یک اداره و یا یک بخش کاری که از خانواده‌های متفاوتی، با سطح اجتماعی، تربیتی و حتی فرهنگ و سبک زندگی متفاوت‌اند، با هم فرق داشته باشند. همه، این تفاوت‌ها را قبول دارند، اما انجام برخی از رفتارها در محیط‌های کاری هم قوانین را زیر پا می‌گذارد و هم باعث تفرقه و ناایمن شدن محیط کاری می‌شود. دروغ گفتن، عیب‌جویی کردن، زیر آب زدن، وقت‌شناس نبودن، تنبلی و رفتارهای دیگری از این دست، هم همدلی و دوستی محیط کاری را از بین می‌برد و هم شرایط کاری را سخت و طاقت‌فرسا می‌کند. رفتارهایی که به رفتارهای سمی اطلاق می‌شود.



دروغ و برانگر

از نظر اسلام، دروغ، کار بسیار ناپسندی است و افراد باید زمانی که صحبت می‌کنند، مراقب گفتارشان باشند و صحبت‌های خود را به دروغ آغشته نکنند؛ این سخن اسلام اما شاید برای همه راهگشا نباشد، برخی از افراد، در محل کارشان برای توجیه کارهای اشتباه خود، دست به دامن دروغ شوند. گاهی ممکن است شما به دلیل تنبلی و یا حوصله انجام کاری را نداشتن، به دروغ متوسل شوید؛ مثلاً برای رفتن به ماموریت و انجام کارهای سخت، به دروغ بگویید: «سر درد دارم»، یا «فرزندم بیمار است و باید در کنار خانواده‌ام بمانم». این کار شاید چند بار نتیجه‌بخش باشد و کسی به دروغ‌تان پی نبرد، اما به مرور زمان و با تکرار آن، اعتماد همکارانتان به شما از بین می‌رود و روابط همکاری‌تان، مخدوش می‌شود.

زیر آب زنی، تنش و تشنج در محیط کار

از قدیم هم گفته‌اند: «چاه مکن بهر کسی، اول خودت دوم

می‌پذیرند اما در عمل و به مرور زمان، شرایط به شکل دیگری تغییر می‌کند زمانی که فردی کارهای خود را انجام نمی‌دهد، تنبلی می‌کند تا بار کارهای تلنبار شده اداری، به دوش یک یا دو نفر دیگر بیفتد، اگر تنبلی را پیش گرفته‌اید و در زمان اداری، کارهایتان را انجام نمی‌دهید باید بدانید که به همکارانتان ظلم می‌کنید و باعث دلسردی آن‌ها در محیط همکاری می‌شوید.

محبوبیت از دست رفته

نظافت یکی از خصوصیات فردی است، که می‌تواند باعث محبوبیت شما و یا بی‌زاری دیگران از شما شود. محیط کاری و میز کارتان، خانه دوم شماست و همکارانتان، اعضای خانواده‌تان؛ بنابراین باید قوانین خاص آنجا را رعایت کنید تا با یکدیگر دچار تنش نشوید؛ اما برخی از کارمندان به تمیز بودن میزکاری و نظافت شخصی خود توجهی نمی‌کنند و این باعث می‌شود تا همکاران دیگر با او تعامل خوبی نداشته باشند. اغلب افراد با دیدن محیط نامرتب، ظاهر شلخته و بدن کثیف، عصبی می‌شوند

کسی؛ این لب مطلب زیر آب زدن است؛ اما در بسیاری از ادارات افراد برای رسیدن به خواسته خود، زیر آب می‌زنند. شما که در فضای اداری همکاری، باید این را بدانید که با زیر آب زدن نمی‌توانید به هدف اصلی خود برسید و عاقبت کسی هم برای شما نقشه‌ای خواهد کشید و زیر آب‌تان را می‌زند. این را تجربه هم ثابت کرده، بنابراین بهتر است به جای زیر آب زدن، مسائل و مشکلاتتان با همکاران را، دوستانه و منطقی حل کنید. بهتر است به جای ایجاد تشنج در محیط کاری، با همکاری که مشکلی دارید در فضایی که فقط خودتان هستید، صحبت کنید؛ چون بار کج به مقصد نمی‌رسد.

تنبلی دلسردکننده

در هر محیط کاری و اداری، هر فردی بسته به حوزه فعالیت و شغلی‌اش، وظایفی برعهده دارد؛ وظایفی که در پایان ماه، بسته به انجام آن‌ها حقوق خود را دریافت می‌کند. این اصلی است که همه در ابتدای شروع به کارشان، با امضا کردن قرارداد، آن را

و روحیه خود را برای انجام کارها به شکل مناسب، از دست می‌هند؛ همه این‌ها باعث می‌شود تا افرادی که پاکیزه نیستند، محبوبیتی نداشته باشند و کسی برای آنها احترام قائل نشود.

غیبت؛ ممنوع

اگر پشت سر همکاران حرف می‌زنید و غیبت می‌کنید، شما ترسوید. البته این تنها دلیل غیبت کردن شما نیست. افرادی که غیبت کردن را انتخاب کرده‌اند، عموماً در یک محیط کاری نمی‌توانند گلايه‌های خود را نسبت به دیگر همکاران‌شان به صورت مستقیم و بدون پرده، بیان کنند. گاهی یک مدیر بالادستی باشد که ترس از دست دادن شغل و جایگاه خود را دارد، غیبت می‌کند. اگر شما پای صحبت غیبت همکارانتان هستید، باید بدانید که آن فرد روزی پشت سر شما هم غیبت خواهد کرد. نتیجه غیبت کردن در محیط کاری، ایجاد محیطی ناامن و مسموم است. همکاران به شما اعتماد نخواهد داشت و البته فضای کاری شما دیگر آرام نخواهد بود.

عیب‌جویی

بسیاری از افراد، تصور می‌کنند که خود آنها همه فن حریف‌اند

و کسی دیگری روی دست آن‌ها بلند نمی‌شود و تنها تخصص و تجربه، مختص به خودشان است. اگر این تصور غلط را دارید، همیشه کارهای خودتان را درست و کارهای دیگران را غلط می‌بینید، احتمالاً به خودبزرگ‌بینی مبتلا خواهید شد و عیب‌جویی می‌کنید. افراد عیب‌جو، تنها ضعف‌های همکاران خود را بزرگ و تخصص آن‌ها را نادیده می‌گیرند؛ در مقابل هم همیشه عیب‌های خود را نمی‌بینند و هنرهای خود را بزرگ می‌بینند. نتیجه این رفتار، جز تنفر و از بین رفتن دوستی‌ها و صمیمیت بین همکاران نیست.

وقت‌شناسی

این قانون محیط‌های شغلی و اداری است که همه کارمندان در زمانی در محل حاضر و در زمان تعیین شده دیگری از محل کار بیرون بروند اما برای برخی از همکاران، وقت‌شناسی جزو اولیتهای کارمندی نیست. اگر شما وقت‌شناس نیستید و همیشه دیر به محل کارتان حاضر می‌شوید، نظم و برنامه‌ریزی همکارانتان را مختل می‌کنید؛ ممکن است همکارانتان قرار حضور در یک جلسه مهم را دارند و یا باید از جایی بازدید کنند

مورد مهم صلح و دوستی در محیط کاری

اگر شاغل‌اید، زمان زیادی از ۲۴ ساعت روزانه زندگی خودتان را در یک خانواده دوم به نام محل کار زندگی می‌کنید؛ بنابراین صلح، دوستی، آرامش و امنیت که جزء قوانین هر خانواده‌ای است، در محیط کارتان هم اهمیت دارد. اگر شما به قوانین تعیین شده در محیط کاری و رفتارهای دیگران احترام نمی‌گذارید، قطعاً باعث تنش‌های زیادی می‌شوید. این تنش‌ها محیط کار را مسموم می‌کند و کار کردن در چنین شرایطی هم برای شما و هم برای همکارانتان، غیرقابل تحمل خواهد بود. حتی اگر قوانین محل کارتان هم خلاف میلان است، شما با شروع کار در آن محیط، آن قوانین را قبول کردید، پس بهتر است برای حفظ همدلی و آرامش در محیط کاری، نه خود را آزار دهید و نه دیگران را و کمی از مواضعتان کوتاه بیاوید و با مسالمت بیشتری در محیط کاری، رفتار کنید.



چراغ راه

ممکن است در همه محیط‌های کاری، رفتارهای سمی وجود داشته باشد، شاید شما به علم این که آن‌ها سمی‌اند رفتار کنید اما تا به حال به این فکر کرده‌اید که آیا خودشان می‌دانند که رفتاری غیرحرفه‌ای دارند؟ بنابراین بهتر است آن‌ها را متوجه رفتارشان کنید و راهکارهایی برای آنتی سم بودن داشته باشید؛ در ادامه ما راهکارهایی پیشنهاد می‌دهیم.

در همه ادارات، اعم از دولتی، غیردولتی، خصوصی و... قطعاً مشکلاتی مانند وجود کارمندان سمی و ناسازگار وجود دارد. برخی از این ادارات اما متأسفانه برای اصلاح این افراد به راه‌حل‌های اشتباهی پناه می‌برند.

کلیپ سازی: برای اینکه فرد را متوجه اشتباهش کنیم چند کلیپ آموزشی را به صورت کلی در سالن آمفی تئاتر و یا اتاقی که چند نفر از کارکنان حضور دارند،

بخش کنید؛ شاید اگر به صورت مستقیم به فرد تذکر دهید، او جبهه بگیرد و بر رفتار اشتباه خود پافشاری کند و دیگر همکاران را بیشتر آزار دهد؛ اما با این راه‌حل ممکن است فرد آگاه شود و بدون نیاز به تذکرات محکم، رفتار اشتباهش را اصلاح کند.

کمک مسالمت‌آمیز: از کارکنان که با فرد صمیمیت بیشتری دارد، بخواهید به صورت دوستانه و با هر لحنی که می‌داند، به شکلی که او ناراحت نمی‌شود، صحبت کند و به او بگوید که رفتارش اشتباه است و باید برای اصلاح آن تلاش کند.

صحبت همدلانه: شاید بهتر باشد شما که از نظر رفتاری با او مشکل دارید، خودتان دست به کار شوید و با او صحبت کنید. بهتر است در محیطی که دیگران نیستند، با او صحبت کنید و برای همیشه مشکلات را حل کنید.

اما با دیر آمدن شما، برنامه‌های کاری‌شان مختل می‌شود. افراد وقت‌شناس، زمان را مانند، طلا می‌دانند و برای هر دقیقه خود برنامه‌ریزی می‌کنند و اگر برنامه‌هایشان طبق زمانبندی پیش نرود، از نظر روحی دچار آسیب می‌شوند و همین مسئله، بر راندمان کاری آن‌ها تأثیرات منفی می‌گذارد.

سروصدایی که می‌ماند

در بسیاری از محیط‌های کاری سکوت و آرامش حرف اول را می‌زند و کوچکترین صدایی در آن محیط، باعث از بین رفتن تمرکز می‌شود. بعضی از شغل‌ها به صورت شیف‌تی‌اند و چند نفر با هم شیفت را تحویل می‌گیرند، بنابراین در زمان شیفت باید سکوت را رعایت کنند، بلند با تلفن همراهشان حرف نزنند و با صدای بلند، تلویزیون نبینند. بسیاری از افراد اما به این نکات بی‌توجه‌اند و آرامش همکارانشان را برهم می‌زنند. سر و صدا کردن در محیط کار و عدم تمرکز دو خط موازی‌اند، اگر شما تن صدایتان بلند است و یا با صدای بلند فیلم‌های گوشه‌ی‌تان را تماشا می‌کنید، بهتر است که تجدید نظر کنید و کمی هم آرامش برای همکارانتان بگذارید.

شاید شما اشتباه می‌کنید و او اصلاً نمی‌داند که رفتارهای سمی و آزاردهنده‌ای دارد.

کمک بالادستی: اگر اصلاح رفتاری اتفاق نیفتاد، بهتر است، مدیر مجموعه ورود کند و به صورت دوستانه، از مشکلاتی که رفتار ایجاد می‌کند، بگوید. اگر با صحبت دوستانه مشکلات حل نشد، شاید بهتر باشد، مدیر فاز دیگری رفتار و با او برخورد جدی کند.

کمک کارشناسانه: شاید بهتر باشد، مدیر سازمان برای حفظ سلامت کارکنان و محیط کار، از یک کارشناس و یا مشاور خانواده کمک بگیرد و از او دعوت کند تا برای کارکنان قوانین محیط کاری و رفتارهای درستی را که باید با هم داشته باشند، شرح دهد؛ همچنین شاید بهتر باشد که مدیر سازمان، به صورت مجزا، زمانی را برای مشاوره و دادن راه‌حل برای حل مشکلات تخصیص دهد.

پیشنهاد فیلم، سریال، کتاب و بازی برای امدادگرانی که شب کاری دارند

۴ پیشنهاد ویژه

شب‌های روشن زمستان

مرجان یعقوبیان | دنیای پلشتفرم‌های ایرانی و خارجی در حوزه فیلم و سریال، هیچ حوصله‌ای را سر نمی‌برد، امروز دیگر برای سرگرمی و فیلم تماشا کردن، به شال و کلاه کردن و به سینما رفتن، نیاز نیست و دیگر کلوپ رفتن معنا ندارد. زمستان و شب‌های دراز و طولانی معروف است و کسانی که بخاطر شغلشان شب زنده‌دارند، بهترین فرصت را دارند تا کتاب بخوانند، فیلم ببینند و سرگرمی برای خودشان درست کنند. امدادگران و نجاتگران شاغل در پایگاه‌های امداد و نجات بین شهری نیز از همین گروه‌اند که باید به جز در مواقع کار و فعالیت‌های روتین روزمره باید برای خود اوقات فراغتی دست و پا کنند.

یک مینی سریال هیجان انگیز

داستان سریال هواپیمارایی Hijack هیجان انگیز و پرتنش است. وقتی در طول پرواز هفت ساعته از دبی به لندن هواپیمارایی اتفاق می‌افتد، مذاکره‌کننده‌ای به نام «سم نلسون» سعی دارد با استفاده از مهارت‌های حرفه‌ای خود همه سرنشینان هواپیما را نجات دهد، مینی سریال هواپیمارایی که ۷ قسمت دارد و برای اولین بار در «پل تی‌وی پلاس» عرضه شده است، به کارگردانی «جیم فیلد اسمیت» و «مو علی» در سال ۲۰۲۳ ساخته شده است. این سریال محصول کشور آمریکا و در ژانر درام و هیجان‌انگیز است. در این سریال ادیس آلبا، نیل مسکل، مکس بیزلی، بن مایلز و کیت فیلیپس به هنرمندی پرداخته‌اند. نمره کاربران به این سریال نمره ۷.۸ از ۱۰ است.



تغییر یافته‌های همیشگی

فیلم سینمایی تبدیل شونده‌گان ۷ ظهور جانوران (ترانسفورمرز ۷) یا Transformers: Rise of the Beasts محصول ۲۰۲۳ است. Transformers 7 به فارسی ترانسفورمرز ۷ اکشن علمی-تخیلی آمریکایی است که بر اساس خط اسباب‌بازی ترانسفورمرز هاسبرو ساخته شده و عمدتاً تحت تأثیر خط داستانی جنگ جانوران است. این فیلم هفتمین قسمت از مجموعه فیلم‌های تبدیل شونده‌گان و دنباله فیلم Bumblebee (۲۰۱۸) است. «آنتونی راموس» در نقش نوح، یک متخصص الکترونیک نظامی سابق است که با خانواده‌اش در بروکلین زندگی و سعی می‌کند از آن‌ها حمایت کند. «دومینیک فیشبک» در نقش النا، یک محقق مصنوع در موزه‌ای است که رئیسش مدام اعتبار کار او را می‌پذیرد، «پیتر کالن» در نقش ایتیموس، «پیت دیویدسون» در نقش میراژ، «جاسوس اتویات لیزا کوشی» در نقش آرسی، بازی می‌کنند. قیمت هفتم ترانسفورمرز، از دید منتقدان نمره قبولی را نیاورده است اما مخاطبان و دوست‌داران اکشن و دنیای ربات‌ها، با این فیلم ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند تا به سینما بروند.

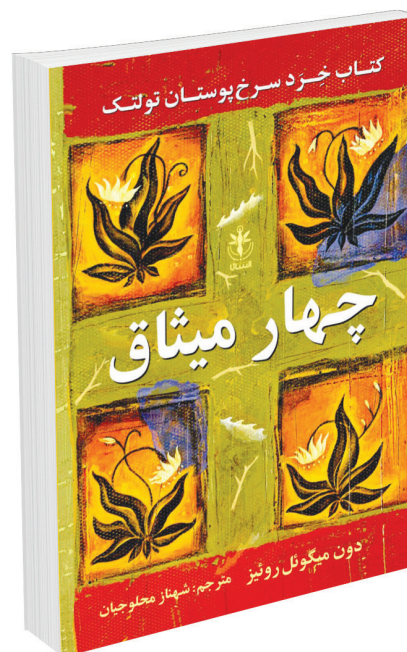


بازی خانوادگی

با بازی مار و پله لودو کینگ، یاد گذشته‌ها کن و با دوستان و خانواده به صورت آنلاین و آفلاین، منچ و مارپله بازی کنید. این ویژگی‌ها، این بازی را برای مخاطب جذاب می‌کند، طراحی آن بوده که درست مثل سال‌های کودکی است، این بازی ۲ تا ۶ نفره است و قالب‌های مختلفی برای بازی دارد، همچنین اگر از ظاهر مهره‌ها خسته شدید می‌توانید مهره‌هایتان را عوض کنید و از آن‌ها لذت ببرید، این بازی با بیش از یک میلیون نصب و ۳ هزار رای در بین مخاطبان خود بیشترین میزان رضایتمندی را دارد. با بازی لودو کینگ می‌توانید با بات هوشمند بازی کنید و در حالت‌های مختلفی خود را بسنجید؛ به عنوان مثال در بازی هجومی که همه تند و سریع بازی می‌کنند و به حریفان هجوم می‌برند. سرعت عمل نقش بسیار مهمی در پیروزی دارد در واقع می‌توان گفت، بهترین فرصت برای سرگرم شدن در اوقات فراغت است. بازی در این حالت یک تمرین خوب است و حسابی شما را برای مسابقه با دوستان‌تان آماده می‌کند.



کتابی برای بهتر شدن

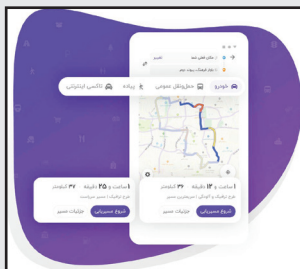


«هزاران سال پیش در تمام خطه جنوبی مکزیکو، تولتک‌ها را زنان و مردانی خردمند می‌دانستند. مردم‌شناسان تولتک‌ها را قوم یا نژاد دانسته‌اند، اما در واقع تولتک‌ها دانشمندان و هنرمندانی بودند که جامع‌های تشکیل دادند تا به کشف و حفظ معرفت معنوی و آیین‌های باستانی بپردازند...» این بخشی از کتاب چهار میثاق خودشناسی، است. کتابی که در واقع در آن، ۴ اصل از قوم تولتک‌ها که سرخ‌پوست بودند، گفته می‌شود. این کتاب این روزها خیلی طرفدار دارد، شاید به همین دلیل است که چندین شرکت نشر، دست به ترجمه و انتشار آن زده است. نظر کاربران است که کتاب، کتاب مفیدی است. نویسنده این کتاب، «دون میگوئل آنخل روئیز» سخنران و نویسنده اهل مکزیک است.

وقتی دل به جاده میزنی هر چقدر هم که بلدِ راه باشی ممکن است اشتباه کنی

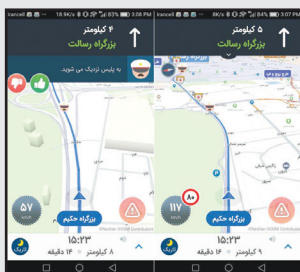
راز جاده‌های پرپیچ و خم

مرجان یعقوبیان | لایف استایل امروزی و استفاده بی‌حد و مرز از نرم‌افزارها در تمام مناسبات زندگی از یادآوری تولد تا سفارش غذا، زندگی فردی و اجتماعی را برای همه آسان کرده است. یکی از پرکاربردترین نرم‌افزارهایی که مورد استفاده کاربران مجازی قرار می‌گیرد، اپلیکیشن‌های مسیریابی است. نرم‌افزارهایی که هر راه نرفته‌ای را آشنا می‌کند. همه مسیر را مثل کف دست نشان می‌دهد و می‌توان چشم بسته مسیر طولانی را رفت. هم حرف می‌زنند و هم مسیر را خوب بلدند. از قدیم گفته‌اند که «مسیر ناشناس را در روز باید طی کرد». هر چند که همه چیز پیشرفت کرده است اما باز هم نمی‌توان بی‌گدار به جاده زد. باید یادمان باشد تکنولوژی و دنیای هوش مصنوعی‌اش آمده‌اند تا پیش از سفر حال و هوای جاده را ببینیم و با آسودگی خاطر راهی شویم. اپلیکیشن‌های مسیریابی زیادی برای داندلود در گوشی هوشمند وجود دارند و اغلب دشوار است که تصمیم بگیریم کدام یک ارزش اشغال فضای ذخیره‌سازی را دارند و کدام یک ارزش وقت یا هزینه را ندارد. در این گزارش به معرفی بهترین اپلیکیشن‌های مسیریابی آفلاین می‌پردازیم که شما را با بهترین کاربردها، به مقصد می‌رساند. برخی از آن‌ها صرفاً برای پیمایش یا یافتن بهترین مسیر براساس ترافیک است، درحالی‌که برخی دیگر دارای ویژگی‌های یکپارچه مانند اشتراک‌گذاری مکان در رسانه‌های اجتماعی یا مسیریابی برای پیاده‌روی و سفرهای ماجراجویانه هستند.



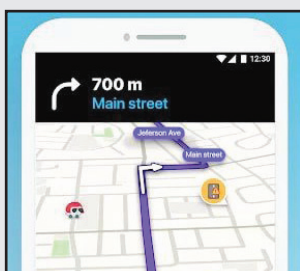
اپلیکیشن نشان یکی از آپ‌های مسیریابی معروف در بین ایرانیان است که از قابلیت‌های قابل توجهی هم برخوردار است. در نشان، مسیریابی با در نظر گرفتن ترافیک آنلاین نشان داده می‌شود و مسیریابی براساس طرح‌های ترافیک در تهران و کلان‌شهرها صورت می‌گیرد. مسیریابی موتور نیز با در نظر گرفتن معابری که تردد موتور در آن‌ها ممنوع است، نمایش داده می‌شود. اگر هم پیاده‌اید می‌توانید از این اپلیکیشن استفاده کنید، چون مسیریابی پیاده و دوچرخه، همراه با نمایش شیب و گام‌های مسیر اتفاق افتاده است. نشان بیش از ۱۰ میلیون بار نصب شده و رضایت کاربران هم ۴,۵ از ۵ را گرفته است.

نشان به هدف خورده



بلد؛ آپ طرفدار مسیریابی ایرانی است که امکان مسیریابی با استفاده از GPS را فراهم می‌کند. مسیریابی با در نظر گرفتن شرایط مختلف مثل طرح ترافیک و اطلاعات ترافیک لحظه‌ای انجام می‌شود. این برنامه مسیریابی فارسی از امکاناتی چون هشدار پلیس، محدودیت سرعت، دوربین کنترل سرعت و سرعت گیر، تخمین لحظه‌ای زمان رسیدن به مقصد و نمایش مسیرهای مختلف برای رسیدن به مقصد برخوردار است. دستیار صوتی ترکی، عربی، یزدی، کرمانی، شیرازی و گیلکی از ویژگی‌های جالب بلد است. بلد ۲۰ میلیون بار داندلود شده و امتیاز رضایتش هم ۴,۶ از ۵، بین مخاطبان است.

مسیریاب راه بلد



Waze گزینه خوبی برای یک برنامه GPS ساده است و همه چیزهایی را که به‌عنوان یک جایگزین برای Google Maps نیاز دارید، فراهم می‌کند. گزارش‌های ترافیک و برنامه‌ریزی هوشمند مسیر را به شما می‌دهد، سفرهای شما را تا حد امکان کوتاه می‌کند و با عملکرد GPS قابل تنظیم و گزینه‌های صوتی متنوع، می‌توانید از سفرتان لذت ببرید. یکی از ویژگی‌های قابل توجه پخش موسیقی و پادکست‌ها از طریق برنامه است که حین رانندگی میزان قطع شدن موسیقی با اعلان GPS را کاهش می‌دهد. این اپلیکیشن ۵۰۰ میلیون بار داندلود شده است.

اپلیکیشن همه‌چی دان



مسیریاب سخنگوی way، یک تجربه جدید برای استفاده کاربردی از نقشه است. شما می‌توانید با این اپلیکیشن، مکان دقیق دوستان خود را به صورت آنلاین در گروه ساخته شده بر روی نقشه ببینید. رابط کاربری خیلی آسان این نرم‌افزار در کنار گرافیک زیبا استفاده از وی را لذت بخش‌تر می‌کند، برخی از کاربردهای متفاوت این جعبه ابزار کامل نقشه مانند، ساخت گروه چت با مکان‌یابی آنلاین بر روی نقشه، آپشن «کی کجاست؟»، آپشن ذخیره مسیر، اطراف «من کروکی» و ... است، این برنامه با بیش از یک میلیون نصب و هزاران رای در بین مخاطبان خود رضایت‌مندی قابل توجهی را کسب کرده و نیاز کاربران به معرفی کسب و کارها را بر روی نقشه پوشش داده، به طوری که یک کسب و کار با تکمیل اطلاعات خود بر روی مسیریاب WAY علاوه بر نمایش کل این اطلاعات بر روی نرم‌افزار مسیریابی، تمامی این اطلاعات با یک طراحی خیلی زیبا در وب سایت نرم‌افزار را نیز معرفی می‌کند.

مسیریابی برای کسب‌وکارها

راه‌های ارتباطی

ሠ ሠ ሠ ሠ ሠ ሠ ሠ

نشریه پیام هلال در سری جدید انتشارش در نظر دارد در این صفحه صدای امدادگران، نجاتگران، داوطلبان و خلاصه همه مخاطبان این نشریه باشد. اگر شما به ما پیام بدهید و از مشکلات بگویید و پیشنهاداتتان را مطرح کنید، ما آنها را منعکس می‌کنیم و در شماره‌های بعدی هم پاسخ مسئولان مربوطه را منتشر خواهیم کرد.



■ آیا جمعیت هلال احمر فروشگاهی برای خرید چادر و تجهیزات سفر دارد؟

یک فروشگاه در جاده قدیم تهران به عنوان فروشگاه نساجی هلال است که برای خرید ملزومات مورد نیاز، می‌توانید به آنجا مراجعه کنید.

■ در صورت نیاز پایگاه های امدادی آیا می توان سقف شیفیت کاری را افزایش دهیم؟

در دستورالعمل و اصلاحیه بخشنامه ایاب و ذهاب، نحوه افزایش شیفت ها عنوان شده است که به زودی ابلاغ می شود.

■ چه طور از واریزی بیمه خود مطلع شوم؟
از طریق نرم افزار تامین من یا سایت تأمین اجتماعی
می‌توانید سابقه بیمه خود را مشاهده کنید.

■ چرا تعداد شیفت‌های کاری باید در ۱۵ روز ماه پنج روز است؟

هیچ اجباری برای تعداد شیفت‌ها نیست و اگر نیاز به پرداخت حق بیمه از سوی جمعیت ندارید، می‌توانید شیفت‌های متغیری داشته باشید.

امدادی را شروع کنم؟

با مراجعه به نزدیک‌ترین شعب جمعیت هلال احمر، امکان همکاری مجدد را خواهید داشت.

■ چه طور می‌توانم در دوره‌های هلال احمر شرکت کرد؟
با مراجعه به نزدیک‌ترین شعبه جمعیت هلال احمر امکان عضویت و گذراندن دوره‌های آموزشی به صورت رایگان وجود دارد.

■ باتوجه به اینکه پرداخت بیمه اول و آخر هر ماه است، آیا می‌توان بازه پرداخت مالی هم به این شکل تغییر کند؟

روش پرداخت مالی به دلیل تعجیل در پرداخت حق بیمه در حال حاضر به این شکل است، در صورت رفع مشکلات پرداخت حق بیمه، ممکن است، در آینده روند پرداخت مالی تغییر کند.

■ چه طور می‌توان در جمعیت هلال احمر آموزش تزییقات

آموزش تزریقات در دوره‌های فوریت پزشکی و پیش بیمارستانی ارائه می‌شود و شما می‌توانید با مراجعه به مراکز جمعیت، از این آموزش‌ها بهره‌مند شوید.

■ من در امور داوطلبان شعبه، یک روز در هفته کار اداری انجام می‌دهم آیا این کار شامل حق الزحمه می‌شود؟

این فعالیت شما به صورت داوطلبانه است و شامل ابلاغ هزینه ایاب و ذهاب نمی‌شود.

■ آیا جمعیت هلال احمر نمی تواند نسبت به بیمه افراد بالای ۵۰ سال، با سازمان تامین اجتماعی قراردادی منعقد کند؟

این قانون سازمان تأمین اجتماعی است که افراد بالای ۵۰ سال شامل بیمه نمی‌شود، مگر اینکه قبل از سن ۵۰ سالگی، سنوات بیمه پرداخت شده باشد.

■ من سرباز امریه هلال احمر هستم آیا در روزهای تعطیل می‌توانم شیفت بدهم؟

خیر افرادی که امریه سربازی و یا شرکته هستند از جمعیت حقوق دریافت می کنند و به عنوان نیروی داوطلب مجاز به شیفته نیستند.

■ در سال‌های قبل در یک شهرستان امدادگر بودم، حال ساکن شهر دیگری هستم، چخ‌طور می‌توانم دوباره فعال

